



زیتون در قرآن کریم نگاهی دیگر به آیه ۳۵ از سوره ۲۴ (نور) بهرام گرامی

زیتون، در فارسی و عربی، نام درخت و میوه‌ای است با نام علمی *Olea europaea* متعلق به خانواده *Oleaceae* یا تیره زیتون که در انگلیسی *Olive* نامیده می‌شود. واژه زیتون برگرفته از ریشه سامی زیتو است.^۱ زیتونه واحد زیتون است و به یک درخت یا یک میوه زیتون گفته می‌شود. در زبان عربی، هرگونه روغن را زیت، برگرفته از نام زیتون، می‌نامند، همچنان که روغن زیتون را زیت‌الزیتون و روغن ماهی را زیت‌السّمک می‌نامند. از روغن زیتون به عنوان ماده سوختی استفاده می‌شده است. در برخی نواحی مصر، نفت را زیت الجبل می‌گفته‌اند. به طریق مشابه، واژه *oil* به معنای روغن در زبان انگلیسی از *olea* در زبان لاتینی گرفته شده که به معنای زیتون است.

هومر، شاعر یونانی، حدود هشت قرن قبل از میلاد مسیح در دو حماسه ایلید و اُدیسه از درخت و روغن زیتون نام برده است. در دوران باستان، حمل شاخه‌های زیتون در جشن‌ها و قرار دادن آن در تاج سرداران نشانی از صلح و پیروزی بوده و فرهنگ فرانسوی لاروس ساقه و برگ زیتون را از عهد باستان نشانه صلح و پیروزی، و نعمت و فراوانی دانسته است. امروزه نیز کبوتری با شاخ زیتون در منقار، نشانی از صلح‌طلبی است. خاستگاه زیتون را کشورهای حوزه مدیترانه به ویژه سوریه گفته‌اند. ارقام زراعی زیتون از سرزمین‌های عرب به ایران و ارمنستان آمده است.^۲

واژه زیتون شش بار در قرآن کریم آمده است؛ پنج بار با میوه‌های دیگر: در آیه ۹۹ از سوره

□ ۳۸ ترجمان وحی

۶(انعام) بانخل و انگور و انار و غلات، در آیه ۱۴۱ از سوره ۶(انعام) بانخل و انار و زراعت، در آیه ۱۱ از سوره ۱۶(نحل) بانخل و انگور و زراعت، در آیه ۲۹ از سوره ۸۰(عبس) بانخل، و در آیه ۱ از سوره ۹۵(تین) بانجیر، و یک بار نیز در آیه ۳۵ از سوره ۲۴(نور) به تنهایی برای روغن آن آمده است. در آیه ۲۰ از سوره ۲۳(مؤمنون) از زیتون نام برده نشده، ولی احتمال داده‌اند که مقصود از درخت و روغن، درخت و روغن زیتون بوده است.

آیه ۳۵ از سوره ۲۴(نور):

«اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

خداوند نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی است، و چراغ در حبیبی است مانند ستاره‌ای درخشان. این چراغ از [روغن] درخت مبارک زیتون افروخته می‌شود که نه شرقی است و نه غربی؛ روغنی که [از صافی و روشنی] بی‌آنکه آتشی به آن برسد خود به خود فروزان است. نوری است بر فراز نوری دیگر. خداوند هر کس را که بخواهد به سمت نور خویش هدایت می‌کند. خداوند این مثلها را برای مردم می‌زند و خداوند به هر چیزی داناست.

شرح آیه: در آیه بالا، به نحوی بی‌سابقه از زیتون با صفت مبارک، به معنای فرخنده و بابرکت، نام برده شده؛ صفتی که در قرآن کریم غالباً برای کتاب و کلام و مکان مقدس به کار رفته است. سه بیت زیر به ترتیب از ناصر خسرو، امیرمعزی و قاننی در منزلت زیتون و اشاره به این آیه است:

دیو و فرشته به خاک و آب درون شد

دیو مغلان شد و فرشته زیتون

خدای ما به قرآن در، مبارک خواند زیتون را

ز جود او نشان آمد یکی پروانه زیتون

تالی معصومه از طهارت و عصمت

ثانی زیتونه در نقاوت و ایمان

نقاوت = پاکیزگی، نیکویی (نقی = پاکیزه).

در آیه بالا: مشکاة = چراغدان یا محفظه‌ای در دیوار (که چراغ را محافظت و نور را متمرکز می‌کند). مصباح = چراغ. زجاجه = شیشه شفاف (حباب چراغ). درّی = درخشان و پرفروغ. زیت = روغن زیتون برای سوخت چراغ. خداوند خود را به نور چراغی تشبیه کرده که درون یک چراغدان به وسعت کائنات بوده و آسیب‌ناپذیر است و نور آن از طریق حبابی شفاف و درخشان به همه جا می‌رسد. تقریباً همه مترجمان عبارت «نه شرقی و نه غربی» را صفت درخت زیتون دانسته‌اند و به تبع آن هیچ یک از شارحان و مفسران، که این مؤلف شرح و تفسیرشان را دیده است، نتوانسته‌اند برای این عبارت توضیحی قابل قبول ارائه دهند. رجوع به شماری از تفاسیر قرآن کریم، ناهمگونی در برداشت‌ها و توسل به مفاهیم دور از ذهن برای این آیه را به روشنی نشان می‌دهد. (ضمیمه)

در این آیه، منشأ نوری که نور الهی به آن مثل زده شده روغنی است که از درخت مبارک زیتون به دست می‌آید و این روغن پاک و خالص، بی‌نیاز از فروخته شدن، فی‌نفسه نورانی است، زیرا نور الهی نمی‌تواند ناشی از منشأ غیر خود باشد و از این روست که تأکید می‌فرماید: نوری بر فراز نوری دیگر است. نکته قابل تأمل آن است که «نه شرقی و نه غربی» در واقع توصیفی از روغن یا منشأ نور الهی است، نه درخت. ذات الهی ازلی است؛ یعنی همیشه وجود داشته و نیاز به پیدایش و طلوع از مشرق ندارد، همچنان که ذات الهی ابدی است و نور ذات وجودش افول نمی‌کند و در مغرب فرود نمی‌آید. از این روست که خداوند، این ذات ازلی و ابدی، نه شرقی و نه غربی، بلکه وجودی سرمدی است. قرن‌ها پیش شاعران و عارفان فارسی زبان، و بسا عرب‌زبان، به این حقیقت آشکار واقف بوده‌اند. ابیات زیر از عطار نیشابوری شرح منظومی از این آیه است.

پنج بیت متوالی از اسرارنامه:

الا ای جان و دل را درد و دارو	تو آن نوری که لم تمسه نارو
ز روزن‌های مشکاتی مشبک	نشیمن کرده بر شاخی مبارک
تو در مشکات تن مصباح نوری	ز نزدیکی که هستی دور دوری
زجاجه بشکن و زیتت فروریز	به نور کوکب درّی درآویز
تو را با مشرق و مغرب چه کار است	که نور آسمان گردت حصار است

شش بیت متوالی از الهی نامه:

چراغش کرده شرق و غرب روشن	که نه شرقی و نه غربی است روغن
چو او چشم و چراغ آمد ز درگاه	تو بی چشم و چراغش چون روی راه
اگر نبود تو را چشم و چراغی	ز گلخن فرق نتوان کرد باغی
تو را پیوسته چشم خویش باید	چراغی نیز دایم پیش باید
که گر نبود چراغ و چشم در راه	ندانسی چاه از ره راه از چاه
تو بی این هر دو گر در راه افستی	ز کوری عاقبت در چاه افستی

سه بیت متوالی از خسرو نامه:

در آن ساعت که ما و من نماند	چراغ عمر را روغن نماند
از آن زیستونه وادی ایمن	که نه شرقی و نه غربی است روغن
چراغ جان بدان روغن برافروز	چو من مردم مرا بی من برافروز

این مؤلف تعجب خود را پنهان نمی دارد که چگونه دهها مفسر و شارح و مترجم قرآن کریم که به اقتضای کار و پیشه شریف تلمذ و تحقیق عمر خود را در طلب حقایق دینی می گذرانند، مفهوم لامکانی «نه شرقی و نه غربی» را به درخت نسبت داده و تصریح آیه شریفه را به لایتناهی بودن نور ذات الهی نادیده گرفته اند.

آیه های ۱ تا ۴ از سوره ۹۵ (تین):

«وَالْتِّينِ وَالزَّيْتُونِ. وَطُورِ سِينِينَ. وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ.»

سوگند به انجیر و زیتون. و سوگند به طور سینا. و سوگند به این شهر امن. که به راستی انسان را در بهترین صورت اعتدال آفریدیم.

شرح آیه: مفسران عموماً شهر امن را مکه دانسته اند و به تناسب دو مکان سینا و مکه، تین و زیتون را نیز در اشاره به مکان تعبیر کرده اند. گفته اند که «تین نام مسجد نوح است و زیتون بیت المقدس، یا تین مسجد الحرام است و زیتون مسجد اقصی»^۳ یا زیتون نام کوهی در شرق اورشلیم است که عیسی مسیح (ع) از آن بالا می رفته و در دامنه غربی آن دستگیر شده است.^۴ به نقل از پیامبر اسلام (ص) در تفسیر این آیه، تین و زیتون و سینا و مکه به ترتیب به مدینه، بیت المقدس، کوفه و مکه اشاره دارند. در تفسیر دیگری، تین و زیتون و سینا و مکه به ترتیب

□ ۴۱ زیتون در قرآن کریم

نمادی از آدم (برای پوشاندن بدن با برگ انجیر) و عیسی (ع) (برای تبلیغ در زیر درخت زیتون) و موسی (ع) (برای مبعوث شدن در سینا) و محمد (ص) (برای مبعوث شدن در مکه) هستند. «مجموعه روایات نیز ارتباط زیتون با سرزمین فلسطین و بیت المقدس را روشن می‌کند».^۵ سه بیت متوالی زیر، برگرفته از قصیده‌ای از قآنی، ناظر بر آیه «وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ» است:

تین و زیتونی که یزدان خورده در قرآن قسم

فهم کن ز اوّل که قصدش چیست زین زیتون و تین

در همین زیتون و تین خواهد یقین شد آنکه هست

طعم آن شیرینی مطلق به هر چیزی ضمیم

مقصد حق شور عشق توست و شرح حُسن خویش

از حدیث حور و غلمان و جمال حور عین

ضمیم = ضامن. حور عین = زن سپیدتن سیه چشم.

آیه ۲۰ از سوره ۲۳ (مؤمنون)

«وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصَبِغٍ لِّلْأَكْلِينِ».

و از درختی بومی طور سینا رنگ و روغن برای خوراکیها به دست می‌آید.

شرح آیه: در آیه بالا، از زیتون نام برده نشده، ولی گفته‌اند که مقصود از درخت و روغن احتمالاً درخت و روغن زیتون است. این احتمال را دو قرینه قوّت می‌بخشد. نخست آنکه درخت مورد نظر در این آیه بومی طور سیناست، و در آیه ۱ از سوره ۹۵ (تین) نیز پس از سوگند به انجیر و زیتون (وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ)، بلافاصله در آیه ۲ به طور سینا (وَطُورِ سَيْنَاءَ) سوگند خورده است. دوم آنکه در آیه قبل از این آیه (آیه ۱۹ در همین سوره) سخن از باغهای نخل و انگور است، و این دو میوه در چهار آیه دیگر، آیه ۹۹ از سوره ۶ (انعام)، آیه ۱۴۱ از سوره ۶ (انعام)، آیه ۱۱ از سوره ۱۶ (نحل) و آیه ۲۹ از سوره ۸۰ (عبس) نیز همراه با زیتون آمده‌اند.

□

یادداشت‌ها

1. Sino-Iranica: Chinese contributions to the history of civilization in ancient Iran/Berthold Laufer/Field Museum of Natural history/Chicago/Publication 201/ Anthropological Series/ 1919/vol. 15 (No. 3)/p. 415.

۲. همان.

۳. محمد جعفر یاحقی، فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۶، صفحه ۴۳۸.

۴. لغت‌نامه دهخدا.

۵. سهراب سپهری اشاره‌ای دارد به این ارتباط:

و ای تمام درختان زیت خاک فلسطین

و فور سایه خود را به من خطاب کنید

به این مسافر تنها که از سیاحت اطراف طور می‌آید.

□

ضمیمه

- عبارت «يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ» در آیه ۳۵ از سوره ۲۴ (نور) در ۲۴ ترجمه و تفسیر فارسی قرآن کریم، بدون تغییر در عبارت، به صورتهای زیر آمده است:
۱. روشن می‌فروزند (آتش آن قندیل) از روغن درختی برکت کرده، در آن درخت زیتون نه همه شرقی (از سوی برآمد آفتاب که شبانگاه آفتاب یابد) و نه همه غربی (از سوی آفتاب فرو شدن که بامداد آفتاب یابد).
 ۲. از روغن درخت پُربرکت زیتون، که نه خاوری است و نه باختری، افروخته باشد.
 ۳. که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی افروخته می‌شود.
 ۴. که از درخت خجسته زیتونی می‌فروزد که نه خاوری است و نه باختری.
 ۵. که افروخته شده باشد از درخت مبارک. مبارک صفت درخت است و (زیتونه) بدل شجره است. حق تعالی درخت زیتون را مبارک خواند برای منافی که در او باشد که آن نه شرقی باشد و نه غربی. عکرمه گفت و جماعتی از مفسران که معنا آن باشد که این درخت به زمینی باشد که هیچ کوه وادی او را باز نپوشد به بامداد و شبانگاه از آفتاب، همه روز آفتاب

□ ۴۳ زیتون در قرآن کریم

برو تافته، نه آن بود که به وقت شروق یا به وقت غروب بر او تابد تا توان گفتن شرقی است یا غربی، و بر این قول معنا آن باشد که هم شرقی باشد و هم غربی و این برای آن گفت که چون چنین باشد زیتون او پرورده تر باشد و روغنش روشن تر. سدی و جماعت مفسران گفتند معنا آن است که شرقی نیست که همیشه آفتاب بر او تابد و غربی نیست که همیشه در سایه غروب آفتاب باشد، بل حظّ تمام دارد از آفتاب و سایه و چون چنین باشد به غایت جودت و پروردگی باشد. بعضی دیگر گفتند معنا آن است که منبت و رُستن او معتدل باشد، شرقی نیست که سردسیر باشد و غربی نیست که گرمسیر باشد... این درخت شامی است، چه شام نه شرقی است نه غربی است، ممدود نباشد در ولایت مشرق یا مغرب. ثعلب گفت معنا آن است که این درختی است بین شرقیه و غربیه، بل هی وسط بینهما... و شرقی و غربی نیست یعنی جهود و ترسا نیست و لیکن مسلمان است. و برای آن کنایت کرد از جهودی و ترسایی به شرقی و غربی که ترسایان رو به مشرق کنند و جهودان به مغرب... نور چراغ نور نبوت است و درخت رسول است که نه شرقی است و نه غربی است یعنی مکی است و مکه نه از جانب مشرق است و نه از جانب مغرب، بل او میان همه دنیا است.

۶. آتش آن قنديل از روغن درخت زیتون برکت کرده افروخته می شود که نه همه خاوری است (که هنگام فرورفتن آفتاب روشنی نبیند) و نه همه باختری است (که هنگام بالا آمدن آفتاب بامداد روشنی نبیند) یعنی همه وقت روشن است.

۷. روغن این چراغ از درخت زیتون است. این درخت نه خاوری است که خورشید تنها در هنگام طلوع بر آن بتابد و نه باختری است که خورشید تنها در هنگام غروب به آن بتابد، بلکه هم خاوری است و هم باختری، زیرا در بامداد و شامگاه رو به آفتاب است، به گونه ای که نه سایه کوهی آن را می گیرد، نه سایه درختی و نه سایه دیواری.

۸. می فروزند (آتش آن قنديل) از روغن درختی برکت کرده در آن، درخت زیتون نه همه شرقی (از سوی برآمد آفتاب که شبانگاه آفتاب یابد) و نه همه غربی (از سوی آفتاب فروشدن که بامداد آفتاب یابد)... این شجره ابراهیم خلیل است، او را مبارک خواند که معظم انبیا از صلب اویند، ابراهیم نه شرقی بود نه غربی، یعنی نه ترسا بود که قبله ایشان جانب شرقی است، و نه جهود که قبله ایشان جانب غربی است.

۹. که گردیده روشن ز زیتون درخت که پرتو فشاند بدین گونه سخت
تو آن را نه غربی نه شرقی شمار ولی روشن از آن یمین و یسار
۱۰. از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست، شرق و غرب جهان بدان
فروزان است.
۱۱. افروخته می شود آن چراغ به روغن درختی که آن مبارک و میمون است، و آن درخت
زیتون است، نه شرقی تنها که هم از بامداد آفتاب در یابدش و بسوزاندش، و نه غربی تنها که تا
آخر روز نرسدش و خام ماندش. بلکه هم شرقی و هم غربی که هم آفتاب در وقتی بروی
می تابد، و هم سایه مروی را وقتی درمی یابد.
۱۲. و از درخت زیتون پُربرکتی که آن درخت نه رو به شرق است و نه روی به غرب (نه
همیشه در آفتاب است و نه همیشه در سایه).
۱۳. از درخت بابرکت زیتون که نه شرقی است و نه غربی، یعنی چنان نیست که آفتاب او
در بعضی اوقات بتابد بدون بعضی، بلکه همیشه آفتاب بر آن می تابد و ثمرش خام نمی ماند و
آفتاب روی محض نیست که میوه آن بسوزد و سایه محض مقابل آن نیست که خام بماند، یا
آنکه در کناره افق نیست، بلکه در وسط است که زیتونش در کمال خوبی است چون ولایات
شام.
۱۴. و روشن از درخت مبارک زیتون که با آنکه شرقی و غربی نیست شرق و غرب جهان
بدان فروزان است.
۱۵. و چون نوری که از روغن زیتون از درخت پُربرکت آن مشتعل می گردد، این نور خواه
از چراغ تا تیر اعظم یا نور عالم وجود، شرق و غرب و شمال و جنوب و رو و پشت ندارد،
بلکه با اشراق خود عالم را منور ساخته و می سازد.
۱۶. آن چراغ از (روغن) درخت بابرکت و سود افروخته شود که آن درخت زیتون است،
نه در جانب شرق (تنها) نه در سوی غرب (تنها) است (بلکه هم شرقی است هم غربی که
زیتون آن بهترین زیتون هاست).
۱۷. که از درخت مبارک زیتون - که نه شرقی است و نه غربی - افروخته شود.
۱۸. این چراغ با روغنی افروخته می شود که از درخت پربرکت زیتونی گرفته شده که نه
شرقی است و نه غربی.

□ ۴۵ زیتون در قرآن کریم

۱۹. که (آن چراغ) از روغن درخت پُربرکت زیتونی که نه خاوری است و نه باختری برافروخته شود ... از درختی که اطراف آن یکسان در پرتو نور آفتاب باشد، نه یک سو یا در جانب شرقی یا در جانب غربی که آفتاب تنها به یک طرف آن بتابد و میوه آن نیمی نارس و روغن آن کدر باشد، بلکه دانه آن به خوبی می‌رسد و روغنش صاف و قابل اشتعال است.

۲۰. این شجره ابراهیم خلیل است که ... ابراهیم نه شرقی بود نه غربی، یعنی نه ترسا بود که قبله آنان جانب شرقی است و نه جهود که قبله آنان جانب غربی است ... بلکه مکی است، چه مکه وسط دنیا است.

۲۱. مانند شماره ۵ است.

۲۲. روغن این چراغ از درخت زیتونی است که به هیچ نقطه خاصی در شرق و غرب وابسته نیست، زیتونی است در لایتناهی.

۲۳. می‌افروزند آن چراغ را از روغن درخت بابرکت، درخت زیتون. نه آفتابی و نه سایگی، یعنی نه آن درخت همه در آفتاب بوده باشد و نه همه در سایه که گر همه در آفتاب بوده باشد بارش بسوخته بودی، روغنش روشن نیایدی، و گر همه در سایه برآمده بودی، میوه آن ناپخته بودی، روغنش تاریک سوزدی.

۲۴. روشن می‌شود آن چراغ از روغن درخت مبارک زیتون که نه در اراضی شرقی است نه غربی که خوش روغن نباشد، بلکه در اراضی شام است.^۱

□

۱. با امتنان از آقای شفق ملأزاده برای کمک به تهیه ترجمه‌های قرآن کریم.

فهرست منابعی که ۲۴ ترجمه و تفسیر فارسی بالا به ترتیب از آنها نقل گردیده است:

۱. قرآن کریم، با ترجمه و آژه به واژه، از کشف الاسرار ابوالفضل رشیدالدین میبیدی (از عرفای نیمه نخست قرن ششم هجری)، از روی متن مصحح علی اصغر حکمت، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۵۱. تفسیر کشف الاسرار میبیدی در اصل اثر خواجه عبدالله انصاری است و عظیم‌ترین و قدیم‌ترین تفسیر عرفانی فارسی محسوب می‌شود.
۲. قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی (ویراستار: موسی اسوار)، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۶۷.
۳. قرآن مجید، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران و قم، ۱۳۷۳.
۴. قرآن کریم، ترجمه سید علی موسوی گرمارودی، نشر قدیانی، ۱۳۸۷.
۵. قرآن کریم با معنای فارسی، با استفاده از نسخه‌های تصحیح شده تفسیر ابوالفتوح رازی و تفسیر کشف الاسرار میبیدی (اثر خواجه عبدالله انصاری) و منتخب التفاسیر مهدی الهی قمشهای به قلم حکمت آل‌آقا، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۰.
۶. تفسیر ادبی و عرفانی قرآن مجید، به فارسی، اثر خواجه عبدالله انصاری، تلخیص و نگارش: حبیب‌الله آموزگار، چاپ سوم، انتشارات اقبال، تهران، ۱۳۶۰.
۷. تفسیر کاشف به فارسی، سوره‌های اسراء تا شعراء، علامه محمدجواد مغنیه، ترجمه: موسی دانش، دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، جلد پنجم، ۱۳۸۶.
۸. کشف الاسرار و عدّه‌الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، جلد هشتم، تفسیر سوره الاحزاب الی آخر سوره فُصِّلَتْ، تألیف: ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، ۵۲۰ هجری قمری، به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۶۳۲.
۹. قرآن مجید، با ترجمه شعری، امید مجید، چاپ دهم، انتشارات امید مجید، تهران، ۱۳۸۰.
۱۰. قرآن مجید، ترجمه: مهدی الهی قمشهای، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، بدون تاریخ.
۱۱. تفسیر نسفی، ابو حفص نجم‌الدین عمر نسفی (۴۶۲ تا ۵۳۸ قمری)، به تصحیح عزیزالله جوینی، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۵۳.

□ ۴۷ زیتون در قرآن کریم

۱۲. قرآن کریم، ترجمه حکمت آل‌آقا، انتشارات شرکت نسبی اقبال و شرکاء، تهران، ۱۳۵۳.
۱۳. قرآن کریم، عباس مصباح‌زاده، انتشارات محمدعلی علمی، تهران، ۱۳۳۷.
۱۴. قرآن مجید، ترجمه بصیرالملک از روی قرآن معروف سلطانی، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۵۲ ق.
۱۵. قرآن کریم، ترجمه و تفسیر عمادزاده، نشر مترجم و مفسر، تهران، ۱۳۸۵ قمری.
۱۶. قرآن عظیم، با ترجمه و خلاصه تفسیر به قلم فیض‌الاسلام، ناشر؟، تهران، ۱۳۴۸.
۱۷. قرآن کریم، همراه با ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه، بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ سوم، انتشارات جامی - نیلوفر، تهران، ۱۳۷۶.
۱۸. قرآن مجید، ترجمه آیه‌الله ناصر مکارم شیرازی، تحقیق و نشر، دارالقرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۳.
۱۹. قرآن حکیم، ترجمه و توضیح از سیدجلال‌الدین مجتوی (ویرایش: حسین استادولی)، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. قرآن مجید، ترجمه و جمع‌آوری تفسیر از زین‌العابدین رهنما، چاپ کیهان، ۱۳۴۹.
۲۱. تفسیر نور علی نور، تعلیقات: علامه ابوالحسن شعرانی برروض الجنان و روح الجنان، به کوشش: محسن صادقی و عباسعلی مردی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۴.
۲۲. قرآن حکیم، ترجمه: طاهره صفارزاده، انتشارات کلهر، تهران، ۱۳۸۱.
۲۳. تفسیر سوره‌آبادی «تفسیر التفاسیر»، ابوبکر عتیق نیشابوری مشهور به سوره‌آبادی، به تصحیح: علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، فرهنگ نشر نو، تهران، ۱۳۸۱.
۲۴. قرآن مجید، ترجمه: شیخ محمود یاسری، تجدید نظر و اصلاحات توسط شیخ مهدی حائری تهرانی، بنیاد فرهنگی امام مهدی، ۱۳۷۳.

